

پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۱۴

هزار و سیصد و نود و هشت - نیمسال دوم (دوفصلنامه)

- مطالعه تطبیقی فرایند توقف و بازرسی پلیسی در اماکن عمومی در نظام حقوقی ایران و انگلستان
دکتر غلامحسین کوشکی - پیمان دولت‌خواه پاشاکی
۷
- مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری در مقابل شخص ثالث، به مثابه مسئولیت مدنی یا کیفری؟
دکتر نصراله جعفری خسروآبادی - مینا سالمی
۵۷
- رهبری باند مجرمانه و تشدید مجازات
دکتر منصور رحمدل
۸۳
- «تحول» در شناسایی عرف یا «اختراع» عرف؟
دکتر علیرضا باقری ایبانه
۱۰۳
- تحلیل محتوای سریال تلویزیونی کیمیا از منظر خشونت خانوادگی
رابعه نظریور همدانی - دکتر بتول پاکزاد
۱۳۹
- مبانی و قلمرو آموزه‌های کیفرشناسی نوین در زمینه بزهکاری نوجوانان با رویکرد تطبیقی به نظام عدالت کیفری ایران و آمریکا
علی داودی سالستانی - دکتر سید حسین هاشمی
۱۷۱
- رویکرد اسناد بین‌المللی به حقوق بزه‌دیدگان جنایت ناپدیدسازی اجباری
دکتر جمال بیگی - هیوا علی‌پور
۱۹۹
- جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست، زمینه‌ها و جلوه‌ها
ایوب نوریان - دکتر غلامرضا محمد نسل - دکتر نادر نوروزی
۲۲۱
- مشارکت سازمان‌های بین‌المللی در تحقیقات مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی ۲۰۰۱
سحر پورحسن زیوه - دکتر سید ابراهیم قدسی - دکتر حمیدرضا جاویدزاده
۲۴۷





http://jcl.ac.ir/article_100791.html

رویکرد اسناد بین‌المللی به حقوق بزه‌دیدگان جنایت ناپدیدسازی اجباری

دکتر جمال بیگی* - هیوا علی‌پور**

چکیده:

ناپدیدسازی اجباری از جمله جنایت‌های مستمر و مرکب علیه بشریت است که آزادی‌های فردی را خدشه‌دار نموده و بزه‌دیده را از حق برخورداری از حمایت‌های قانونی محروم می‌دارد. اغلب این محرومیت‌ها در نهایت منتهی به قتل یا آزار و اذیت روحی و جسمی افراد می‌گردد. حال باید فهمید ارکان تشکیل‌دهنده این جنایت چه مواردی هستند؟ و اهم حقوق بزه‌دیدگان کدام‌اند؟ در طول زمان نمونه‌های بارزی از این جنایت را شاهد بوده‌ایم که اغلب به سبب مسائل سیاسی، مذهبی یا نژادی ارتکاب یافته‌اند. عمق خسارت‌های واردآمده به بزه‌دیده این جنایت، سازمان و نهادهای حقوق بشری را بر آن داشته تا علاوه بر توجه به حقوق بزه‌دیدگان در اسناد و اساسنامه‌های خود، راه‌های مقابله با آن را نیز در پیش گیرند و حداقل حقوق از دست‌رفته بزه‌دیدگان را به آنان بازگردانند. اهمیت جنایت ناپدیدسازی اجباری، دغدغه تعیین سرنوشت قربانیان این جنایت را در هر شخص عادی نیز به وجود می‌آورد ولی گرچه در محافل بین‌المللی این جنایت مورد توجه قرار گرفته اما در حقوق داخلی کمتر مورد توجه بوده و ضمانت‌اجرای مؤثری برای آن تعیین نگردیده است.

کلیدواژه‌ها:

ناپدیدسازی اجباری، جنایت علیه بشریت، کنوانسیون، بزه‌دیده، جنایت.

مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۴، نیمسال دوم ۱۳۹۸
صفحه ۲۱۹-۱۹۹، تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۱۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۰۸

* استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
Email: jamalbeiigi@iau-maragheh.ac.ir

** دانشجوی دکترای تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
Email: hiva_alipoor@yahoo.com

مقدمه

ناپدیدسازی اجباری^۱ از جمله جنایات‌های علیه بشریت است که دولت‌ها جهت سرکوب مخالفان داخلی و خارجی از آن استفاده می‌کنند. این شیوه شاید از زمان‌های دور مرسوم بوده ولی اهمیت دادن به آن از چند دهه اخیر رنگی دیگر به خود گرفت. اولین موارد مشخص آن در دهه ۱۹۲۷ در گواتمالا و در سال ۱۹۰۳ در شیلی و بین سال‌های ۱۹۰۲ تا ۱۹۲۳ در آرژانتین به کرات ارتکاب یافت.^۲ گرچه در دوره سلطه حکومت نازی بر اروپا شکل بسیار وسیع‌تری از جنایت ناپدیدسازی ارتکاب یافت اما این موضوع فقط مختص آلمان نازی یا آمریکای لاتین نبوده بلکه در جنوب شرقی آسیا و در خاورمیانه می‌شود نمونه‌های بارزی از آن را مشاهده کرد. سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۷ درخصوص قربانیان شیلی از واژه ناپدیدسازی اجباری استفاده نمود که از آن‌پس این واژه همگانی گردید. دو سال پس از تصویب اعلامیه ۱۹۹۲ مجمع عمومی دولت‌های آمریکایی، کنوانسیون آمریکایی ناپدیدسازی اجباری افراد را در ۱۹۹۴ تصویب کرد و چند سال پس از آن در ۱۹۹۸ کمیسیون فرعی ارتقاء و حمایت از حقوق بشر سازمان ملل متحد، پیش‌نویس کنوانسیون حمایت از افراد در برابر ناپدیدسازی اجباری که در کارگروه ناپدیدسازی اجباری تهیه شده بود را تصویب کرد.^۳ با تصویب این کنوانسیون و همچنین اساسنامه رم جنایت ناپدیدسازی اجباری اشخاص وارد مرحله جدیدی شد که از آن‌پس مرتکبان و دولت‌هایی که سعی داشتند با ایجاد رعب و وحشت در بین مردم به سلطه خود ادامه دهند با محدودیت و فشارهای بین‌المللی روبه‌رو شدند که آنان را مجبور به پیروی از اصول حقوق بشر و بشردوستانه می‌کند.

از آنجاکه مدت‌قلیلی از تصویب اسناد مربوط به این جنایت می‌گذرد، متأسفانه آن‌گونه که باید و شاید این موضوع وارد منابع تحقیقی ما نشده است؛ از دیگر سو اهمیت این جنایت از آنجاکه ابتدایی‌ترین حقوق اشخاص را نقض می‌کند از اهمیت بسزایی برخوردار است که بررسی این موضوع صرفاً از طریق و بر پایه اسناد بین‌المللی میسر نخواهد بود. اهمیت موضوع

1. Enforced Disappearance

۲. این جنایت از سوی دولت شیلی به دیگر دولت‌های آمریکای لاتین تحت عنوان عملیات کرکس، قربانیان بی‌شماری را در پی داشت. این قربانیان که بیش‌تر مخالفان حکومت‌ها بودند به اسفناک‌ترین شکل ممکن از سر راه برداشته می‌شدند.

۳. تقی‌زاده، «ناپدیدسازی اشخاص در حقوق بین‌الملل کیفری»، ۱.

۴. عطار، «حمایت از افراد در برابر ناپدیدسازی اجباری در کنوانسیون ۲۰۰۶ و قوانین ایران»، ۶.

و خلأ مطالعاتی موجود ما را بر آن داشت تا در این مختصر نوشته مفهوم ناپدیدسازی اجباری اشخاص بر اساس اسناد بین‌الملل را مورد بررسی قرار دهیم و اهم حقوق بزه‌دیدگان این جنایت علیه بشریت را بشناسیم و با ذکر مثال سرنوشت متفاوت قربانیان این جنایت را بررسی کنیم. بایان تعاریفی از ناپدیدسازی بر اساس اسناد بین‌الملل و تفکیک ارکان آن، اهم حقوق بزه‌دیدگان این جنایت علیه بشریت را مورد بررسی قرار خواهیم داد. لذا در این تحقیق سعی شده با تأکید بر روشی توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای ضمن بیان مفهوم ناپدیدسازی اهم حقوق بزه‌دیدگان آن نیز بیان گردد.

۱- مبانی نظری

هیتلر در سال ۱۹۴۱ فرمانی صادر کرده بود مبنی بر سرکوب مخالفان که شباهت بسیار زیادی به ناپدید کردن اجباری داشت و طی نیم‌قرن گذشته و شاید تحت تأثیر همان رفتارهای دولت نازی، ناپدید کردن اجباری به شدت رو به افزایش بوده و اشخاص متعدد و سرشناسی بزه‌دیده این جنایت واقع شده‌اند. از آنجاکه در دهه هفتاد و هشتاد میلادی این جنایت به شکل گسترده در آمریکای لاتین و آفریقا از سوی دولت و سازمان‌های وقت انجام می‌شد، سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر را بر آن داشت تا در حمایت از قربانیان این جنایت به فکر جرم‌انگاری آن باشند. از جمله بارزترین اقدامات صورت گرفته در این زمینه قطعنامه ۱۳۳/۴۷ سازمان ملل متحد است که در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ تحت عنوان «حمایت از همه اشخاص در قبال ناپدید شدن اجباری» به تصویب رسید. کنوانسیون از ۴۱ ماده تشکیل شده که بدون استثناء (اعم از وضعیت جنگی یا تهدید به جنگ، ناآرامی‌های سیاسی داخلی یا هر نوع وضعیت اضطراری عمومی دیگر)، هرگونه ناپدید شدن اجباری را غیرقانونی قلمداد می‌کند (ماده ۳).^۵ قطعنامه، این جنایت را در مواردی محقق می‌داند که: «اشخاص برخلاف میلشان توقیف، بازداشت یا ربوده شده یا به شکل دیگری از آزادی‌های خود محروم گردند و این کار توسط مأموران دولتی یا گروه‌های سازمان‌یافته یا اشخاص عادی که از طرف یا با رضایت و حمایت مستقیم یا غیرمستقیم دولت عمل می‌کنند صورت گیرد، درحالی که هیچ اطلاعاتی در مورد سرنوشت یا مکان نگهداری آنان داده نشده و به این حقیقت که آنها از آزادی خود محروم شده‌اند، اعتراف نشود که این مسئله افراد مذکور را خارج از حمایت قانون قرار دهد.»^۶

۵. عابدینی، «کنوانسیون حمایت در برابر ناپدیدسازی اجباری و ضرورت پیوستن ایران به آن»، ۱۸۲.

۶. میرمحمدصادقی، «شیوه پیگیری قضایی امام موسی صدر»، ۹۲.

همچنین ماده ۷ دیوان بین‌المللی ناپدید کردن اجباری را به‌عنوان مصداقی از جنایت علیه بشریت این‌گونه تعریف می‌نماید: «ناپدید کردن اجباری اشخاص یعنی بازداشت یا حبس یا ربودن اشخاص توسط یک دولت یا سازمان سیاسی، یا با اجازه یا حمایت یا رضایت آنها و سپس امتناع از اعتراف به محرومیت این اشخاص از آزادی یا امتناع از دادن اطلاعات از سرنوشت یا محل وجود آنان با قصد دور کردن آنان از حمایت قانونی برای مدت طولانی.» ماده ۲ کنوانسیون بین‌المللی حمایت از تمامی اشخاص در ناپدیدسازی اجباری^۷ سال ۲۰۰۶^۸ نیز تعریفی مانند قطعنامه سازمان ملل را آورده است. با توجه به تفاوت تعاریف ارائه شده در اسناد فوق در خصوص عدم پذیرش جنایت ارتكابی از سوی سازمان‌های سیاسی و رضایت آنان در مورد ارتكاب جنایت علیه اشخاص در قطعنامه و کنوانسیون، باید خاطر نشان ساخت گرچه در ماده ۲ کنوانسیون و قطعنامه ذکر شده، به سازمان‌های سیاسی اشاره‌ای نشده است اما در عمل به‌خصوص با شکل‌گیری سازمان‌های تروریستی در دو دهه اخیر از جمله داعش، به‌کرات ارتكاب این جنایت علیه بشریت را از سوی آنان دیده‌ایم. باین‌حال می‌توان ناپدیدسازی اجباری را این‌گونه تعریف نمود: «توقیف، بازداشت، ربودن یا هر نوع رفتاری به‌صورت سازمان‌یافته یا گسترده که سبب محرومیت از آزادی توسط دولت یا اشخاص یا گروه‌های اشخاص یا سازمان‌های سیاسی که با مجوز، حمایت یا اطلاع دولت یا سازمان سیاسی انجام شود و با امتناع از دادن اطلاعات در مورد شخص محروم از آزادی، سرنوشت و محل نگهداری وی به‌قصد محرومیت از حمایت قانون به مدت نسبتاً طولانی^۹ ادامه می‌یابد.» علاوه بر این در برخی کنوانسیون‌های منطقه‌ای مانند آمریکا^{۱۰} و آفریقا نیز ناپدید کردن اجباری پیش‌بینی شده

۷. باید خاطر نشان کرد که در متون ترجمه شده از اسناد بین‌المللی در مورد این جنایت مفاهیم ناپدید کردن و ناپدیدسازی به یک معنا به‌کاررفته‌اند.

۸. ماده ۲ کنوانسیون: «از نظر این کنوانسیون منظور از «ناپدیدسازی اجباری» توقیف، بازداشت، آدم‌ربایی یا هر شکل دیگر از محرومیت از آزادی به‌وسیله مأموران دولت یا اشخاص یا گروه‌های اشخاص است که با مجوز، حمایت یا اطلاع دولت، انجام می‌شود و سپس با خودداری از ارائه اطلاعات در خصوص محرومیت از آزادی یا با کتمان سرنوشت یا مکان شخص ناپدیدشده، وی را خارج از حمایت قانون قرار دهد.»

۹. طولانی از آن‌جهت که در خصوص بازداشت کوتاه‌مدت و کمتر از ۲۴ ساعت شاید دولت‌ها بتوانند آن را با بازداشت موقت توجیه کنند.

۱۰. کنوانسیون آمریکایی در مورد ناپدیدسازی افراد ۱۹۹۴: «در این کنوانسیون، ناپدیدسازی اجباری به‌عنوان عملی که منجر به محرومیت یک فرد یا افرادی از آزادی‌شان شود، تلقی می‌شود که به هر صورت توسط نهادهای دولتی یا به‌وسیله افراد یا گروه‌هایی از افراد با اختیارات قانونی، حمایت و یا رضایت دولت و با فقدان اطلاع و امتناع از آگاهی دادن از اینکه چنین محرومیتی از آزادی رخ داده است و یا اطلاعات

است تاجایی که «در سال ۱۹۷۴ کمیسیون آمریکایی حقوق بشر با صدور قطعنامه‌ای ارتکاب ناپدیدسازی اجباری افراد را بی‌حرمتی نسبت به شعور مردم نیمی از این کره خاکی دانست.»^{۱۱} پس باید خاطرنشان کرد: «جنایت ناپدیدسازی اجباری، نوع جدیدی از نقض حقوق بشر است که در سراسر جهان ارتکاب می‌یابد»^{۱۲}، اما به دلیل جلوگیری از اطاله کلام فقط به بحث در پیرامون اسناد جهانی خواهیم پرداخت و از بحث در مورد اسناد منطقه خودداری خواهیم نمود. از مجموع تعاریف فوق باید گفت که در تمام جنایت‌های ناپدیدسازی اشخاص ردپایی از دولت یا سازمان‌ها وجود دارد که در برخی موارد به صورت مستقیم مرتکب جنایت می‌شوند و در برخی موارد توسط اشخاص دیگر به شکل غیرمستقیم. در واقع «ناپدیدسازی اجباری و استفاده از آن به‌عنوان نظامی برای از بین بردن مخالفان سیاسی و تهدیدها و ارعاب جامعه نشان می‌دهد که هدف خاص این جنایت، حمایت از دولت است.»^{۱۳}

۱-۱-۱ ارکان ناپدیدسازی اجباری

ناپدیدسازی اجباری به‌عنوان راهبردی برای اشاعه ترس و وحشت در درون جامعه به‌کاربرده می‌شود. در واقع «عمده‌ترین دلیل این پدیده را می‌توان نقض فاحش مقررات داخلی توسط مأموران دولتی دانست که در راستای اجرای خطمشی دولت در مقابله با اعضای گروه جنبش‌های شورشی یا به‌طور کلی مخالفان سیاسی و حامیان آنان، مرتکب ناپدیدسازی اجباری می‌شوند.»^{۱۴} بدون شک شناخت ارکان هر جنایتی کمک خواهد کرد تا خود آن را بهتر بشناسیم لذا در ابتدا به بررسی ارکان ناپدیدسازی اجباری خواهیم پرداخت:

۱-۱-۱-۱ رکن قانونی

در ابتدا باید توجه داشت که ناپدیدسازی اجباری به‌عنوان جنایت علیه بشریت چه میزان از حقوق بزه‌دیدگان را نقض می‌کند که از چنان اهمیتی برخوردار است. از آنجاکه بزه‌دیده

در مورد مکان فرد ناپدیدشده و در کنار آن به تأخیر انداختن چاره‌جویی در به‌کارگیری راهکارهای حقوقی و تضمین‌های اجرایی انجام می‌شود.»

11. Brod and Gonzales, "Nunca Mas: an Analysis of International Instruments on Disappearances," 365-368.
12. Vitkauskaitė-Meurice, Žilinskas, "The Concept of Enforced Disappearances in International Law," 197.
13. Giorgou, "State Involvement in the Perpetration of Enforced Disappearance and the Rome Statute," 1004.
14. Scovazzi and Citroni, *the Struggle against Enforced Disappearance and the 2007 United Nations Convention*, 7.

واقع شدن این جنایت به معنای محرومیت از تمامی حقوق قانونی یک شخص است، مسلماً بزه‌دیدگان آن در بدترین شرایط ممکن قرار خواهند گرفت و احتمال ارتکاب هر نوع رفتار غیرقانونی و غیرانسانی نسبت به آنان وجود دارد لذا این مهم مورد توجه سازمان‌های حقوق بشری قرار گرفته است در واقع آسیب ناشی از این جنایت به حدّی است که آن را جزء جنایات‌های علیه بشریت ذکر کرده‌اند. عنصر قانونی این جنایت را باید در بین اسناد بین‌الملل جستجو کرد. اولین سند در خصوص ناپدید کردن اجباری همان قطعنامه ۱۳۳/۴۷ سازمان ملل متحد می‌باشد گرچه در هیچ‌یک از مواد آن صریحاً ضمانت‌اجرای کیفری پیش‌بینی نشده است اما می‌توان عنصر قانونی این جنایت را دربرداشته باشد زیرا، اولاً، بند چهارم مقدمه قطعنامه جنایت مذکور را تعریف می‌نماید. ثانیاً، در مواد ۱۴ و ۱۹ دولت‌ها را مکلف به مجازات مرتکبان و جبران خسارت‌های بزه‌دیده و خانواده آنان کرده است.

دومین و مهم‌ترین سند در این خصوص اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است که در ماده ۷ خود ناپدید کردن اجباری را از جمله موارد جنایت علیه بشریت دانسته و آن را قابل تعقیب می‌داند. ماده ۷: «منظور از جنایت علیه بشریت هریک از اعمال مشروحه ذیل است: هنگامی که در چهارچوب یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته بر ضد یک جمعیت غیرنظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می‌یابد: ... ناپدید کردن اجباری اشخاص ...».

به‌عنوان سومین سند در سطح جهانی باید به کنوانسیون حمایت از همه افراد در برابر ناپدیدسازی اجباری (۲۰۰۶) اشاره کرد که مفهومی شبیه قطعنامه سازمان ملل دارد. بنابراین، این سه سند ذکر شده مهم‌ترین اسناد در خصوص ناپدید کردن اجباری هستند و در کل عنصر قانونی آن را تشکیل می‌دهند. تمامی این اسناد در راستای حمایت از قربانیان این جنایت و پیشگیری هرچه بیش‌تر آن شکل گرفته‌اند.

۱-۲-۱-۲- رکن مادی

ناپدیدسازی اجباری شخص بزه‌دیده را از حداقل حقوق طبیعی محروم می‌کند و موجب می‌شود که رفتار مرتکب سبب خروج بزه‌دیده از حمایت قانون گردد. در واقع عنصر مادی این جنایت را ربایش، توقیف و بازداشت غیرقانونی شخص یا هر نحو رفتار دیگر که فرد را از آزادی محروم کند، تشکیل می‌دهد. گرچه نتیجه تعداد فراوانی از ناپدید کردن‌ها در نهایت قتل شخص ناپدید شده هست اما این قتل نمی‌تواند از عناصر مادی تشکیل‌دهنده این جنایت باشد، زیرا قتل جرم مجزا از جنایت اولیه می‌باشد که بعد از تحقق جنایت به وقوع پیوسته

است گرچه می‌تواند در راستای آن باشد به‌هرحال موارد بسیاری بوده که بزه‌دیدگان ناپدیدسازی اجباری به قتل رسیده یا مورد سخت‌ترین شکنجه‌های روحی و روانی قرار گرفته‌اند.

در ماده ۸ کنوانسیون حمایت از تمامی اشخاص در برابر ناپدیدسازی اجباری این‌گونه مقرر گشته: «... دوره مرور زمان آیین دادرسی کیفری باید ... (ب) از لحظه‌ای شروع شود که جنایت ناپدیدسازی متوقف شود و ماهیت مستمر آن در نظر گرفته شود. همچنین «کارگروه ناپدید شدن‌های اجباری یا غیرارادی در تفسیرهای عمومی خود در مورد ناپدیدسازی اجباری این عمل را جرم مستمر^{۱۵} تعریف می‌کند.»^{۱۶} باید این توضیح را افزود که جنایت مورد بحث از جمله جنایت‌های است که امتناع از ذکر اطلاعات در مورد فرد ناپدیدشده در لحظه‌لحظه زمان تکرار می‌شود و تازمانی که شخص یا نهاد مرتکب به این بازداشت، توقیف یا دیگر ارکان مادی آن ادامه دهند (درواقع حقوق اساسی و اولیه بزه‌دیده را پایمال کرده‌اند و به آن ادامه می‌دهند) جنایت نیز در طول زمان جریان دارد و مواردی مانند قتل شخص ناپدیدشده می‌تواند قطع‌کننده جریان جنایت در طول زمان باشد و همچنین زندانی کردن شخص و اعلام و آشکارسازی آن نیز شیوه‌ای دیگر از پایان دادن به ادامه این جنایت مستمر است. این موارد ارتباطی به مدت‌زمان ناپیدی شخص ناپدیدشده ندارد برای مثال «در قضیه زندانیان مراکشی که در سال ۱۹۷۳ ناپدید و پس از نه سال در ۱۹۹۱ آزاد شدند.»^{۱۷} اما در قضیه جمال خاشقچی مدت ناپیدی بسیار کوتاه‌تر بود. به‌هرحال آنچه در این جنایت مورد توجه قرار می‌گیرد، حقوق نقض شده بزه‌دیده است که در تمام این مدت از آن محروم می‌گردد و هرچه مدت‌زمان این محرومیت بیشتر باشد دست مرتکبین برای ارتکاب اعمال غیرانسانی بازتر خواهد بود.

۱-۳-۱-۱- رکن روانی

آنچه به‌عنوان رکن خاص جنایت ناپدیدسازی اجباری در اینجا مطرح است، چنانچه محقق شود، یعنی مجنی‌علیه برای مدت طولانی از حمایت قانون محروم شود، دیگر نیازی به تحقیق جهت احراز سوءنیت متهم نیست؛ اما این گفته با تأکید چندباره کنوانسیون و اساسنامه

15. Continuous Crime

۱۶. احمدی‌نژاد، «تحلیل حقوقی ناپدیدسازی اجباری اشخاص در حقوق بین‌الملل»، ۱۵۲.

17. Rodley, *Torture and Other Cruel Punishment of Prisoners*, 240.

دیوان کیفری بین‌المللی مطابقت ندارد، زیرا عناصر لازم برای ارتکاب چنین جنایتی در ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری عبارت‌اند از: ۱- وجود حمله؛ ۲- علیه جمعیت غیرنظامی؛ ۳- به‌طور منظم و گسترده؛ ۴- علم عامل به عمل حمله که شعبه مقدماتی اول دیوان بین‌المللی کیفری نیز در تصمیم سال ۲۰۰۷ خود در قضیه احمد هارون و علی قشیب به این آورده دادگاه یوگسلاوی سابق در قضیه کوناراک اشاره می‌کند.^{۱۸} عمد در ربایش یا توقیف و یا بازداشت طرف که مرتکبین آن پس از انجام افعال مقدماتی عمداً از ارائه اطلاعات درخصوص شخص بزه‌دیده سر باز می‌زنند، سوءنیت عام جنایت ناپدید کردن اجباری هستند با این هدف که بزه‌دیده را از حمایت قانونی محروم نمایند که این محرومیت سوءنیت خاص جنایت خواهد بود. پس این جنایت یک جرم کاملاً عمدی و باهدف محروم کردن شخص از حداقل حقوق انسانی و اجتماعی می‌باشد که در ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر این حقوق انسانی موردتوجه قرار گرفته است. «در صورتی که شخص بزه‌دیده جنایت ناپدیدسازی اجباری واقع گردد از حداقل حقوق اجتماعی محروم و از حمایت قانون خارج می‌شود»؛^{۱۹} بنابراین هدف از ناپدید کردن، خارج شدن فرد از حمایت قانون در راستای منافع یک‌سری از نهادها یا سازمان‌های حاکم می‌باشد.

در ظاهر امر عمد در ربایش، توقیف و بازداشت برای تحقق جنایت کافی به‌نظر نمی‌رسد و باید عدم‌ارائه اطلاعات درمورد شخص بزه‌دیده نیز از روی عمد باشد تا جنایت ناپدید کردن اجباری را کامل نماید.

۱-۴-۱-۱- رکن سیاسی

اصولاً جنایت به شکل کلاسیک شامل سه رکن قانونی، مادی و روانی هستند اما علاوه بر این موارد در جنایت علیه بشریت وجود رکن سیاست به‌دلیل دخالت سیاست‌های دول اجتناب‌ناپذیر به‌نظر می‌رسد. در تعریف ناپدیدسازی به‌مانند هر جنایت علیه بشریت دیگری به سازمان‌یافته یا گسترده بودن اشاره شد زیرا ناپدیدسازی یا از سوی دول برای رسیدن به اهداف خاصی یا با اجازه و اطلاع آنان انجام خواهد شد پس بدون شک اگر این جنایت همراه بارکن سیاسی نباشد و صرفاً هدف از آن انتقام باشد بیش‌تر با آدم‌ربایی یا دیگر جرایم عادی منطبق خواهد بود تا جنایت ناپدیدسازی. هرگاه جنایت موردبحث سازمان‌یافته باشد وجود

18. The Prosecutor v. Ahmad Muhammad Harun ("Ahmad Harun") and Ali Muhammad Ali Abd-Al-Rahman ("Ali Kushayb") n ICC-02/05-01/07, 27 April 2007, paras. 60-62.

۱۹. احمدی‌نژاد، پیشین، ۱۴۹.

رکن سیاسی بودن آن بیش‌تر به چشم خواهد آمد اما اگر این مورد سیستماتیک باشد که اغلب به شکل موردی اتفاق خواهد افتاد، رکن سیاسی بودن کمتر موردتوجه قرار خواهد گرفت هرچند وجود آن ضروری است. درواقع شاید بتوان گفت وجه تمایز ناپدیدسازی با دیگر جرایم مشابه مانند آدم‌ربایی و بازداشت غیرقانونی در همین رکن سیاست می‌باشد. علاوه‌بر این «حقوق بین‌الملل کیفری ارتکاب جنایت ناپدیدسازی اجباری توسط نهادهای غیر از دولت که در پیشبرد سیاست آن سازمان باشد را امکان‌پذیر می‌داند که تعریف اساسنامه این موارد را نیز شامل می‌شود.»^{۲۰}

۲- مصادیق بارز بزهدیدگی ناپدیدسازی اجباری

امام موسی صدر به‌عنوان شخصیتی مذهبی: «امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان در سی سال پیش در اوج شکوفایی و بالندگی درحالی که می‌توانست نقش مهمی در اعتلای وضعیت مسلمانان و شیعیان منطقه ایفاء کند پس از سفر کوتاهی به لیبی ناپدید شد و تاکنون خبری از سرنوشت وی در دست نیست.»^{۲۱} شاید به‌جرت بتوان ادعا کرد که بارزترین نمونه ناپدیدسازی اشخاص درمورد امام موسی صدر ارتکاب یافته است، رهبری مذهبی که در طی سفری در سال ۱۳۵۷ به لیبی ناپدید شد.

عبدالله اوجالان به‌عنوان شخصیتی سیاسی: رهبر حزب کارگران کردستان ترکیه که در سال ۱۳۷۷ در کنیا توسط نیروهای اطلاعات رژیم صهیونیستی دستگیر و چندی بعد به مقامات ترکیه تحویل گردید و آنان نیز بعد از ۲۴ ساعت اعلام نمودند که اوجالان را بازداشت کرده‌اند. این قضیه واکنش‌هایی را به‌عنوان یک جنایت علیه بشریت از سوی سازمان‌های حمایت از حقوق بشری و جامعه مدنی در پی داشت؛ از آن‌پس اوجالان به‌عنوان زندانی سیاسی در زندان امرالی ترکیه دوره محکومیت خود را طی می‌کند. نحوه بازداشت اوجالان نمونه‌ای از یک ناپدیدسازی اجباری است که در ادامه به حبس تبدیل شده است.^{۲۲}

جمال خاشقچی منتقد سعودی: روزنامه‌نگار و نویسنده منتقد آل سعود متولد ۱۹۵۸ در عربستان. وی از منتقدان شدید ولیعهد عربستان بود. جمال در ۲ اکتبر ۲۰۱۸ به کنسولگری

20. Andreu-Gunzman, "The Draft International Convention," 22.

۲۱. میرمحمد صادقی، پیشین، ۹۱.

۲۲. درخواست عجیب عبدالله اوجالان از اردوغان، پایگاه خبری دیپلماسی ایرانی، تاریخ تحریر ۸ مهر ماه ۱۳۹۱، <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1907362>، (تاریخ آخرین دسترسی ۱۳۹۷/۱۱/۱۷).

عربستان در استانبول مراجعه کرد و بعد از آن ناپدید شد. در طی حدود دو هفته دولت آل سعود اطلاع از وضعیت خاشقچی را رد می‌کرد تا اینکه در ۱۹ اکتبر ۲۰۱۸ رسانه‌ها به شکلی رسمی ورود به کنسولگری عربستان و قتل وی را تأیید کردند تا شاهزاده سعودی این بار مسئول جنایت علیه بشریت تحت عنوان ناپدیدسازی اجباری جمال خاشقچی قرار گیرد. خاشقچی پس از ورود به کنسولگری در آنجا بازداشت می‌شود (یکی از ارکان مادی جنایت) سپس علی‌رغم ادعای خانواده وی دولت عربستان از دادن اطلاعات در مورد خاشقچی امتناع می‌کند (رکنی دیگر از ارکان مادی) و در نهایت وی را به قتل می‌رسانند.^{۲۳} سوءنیت جنایت ارتکاب یافته در خصوص نحوه برخورد ولیعهد سعودی با مخالفان به روشنی بیانگر سوءنیت عمد آنان در جنایت ارتکاب یافته است.

۳- حقوق بزه‌دیدگان

ضلع فراموش شده مثلث جنایت یعنی بزه‌دیده^{۲۴} بسیار کم مورد توجه قرار می‌گرفت تا اینکه با رشد اندیشه‌های عدالت ترمیمی و بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، توجه بیش‌تری سمت بزه‌دیده معطوف گردید. ماده ۸ اصول اساسی در راهنمای حق دادخواهی و جبران خسارت‌ها برای بزه‌دیدگان نقض‌های فاحش حقوق بشر و بشردوستانه بین‌الملل بزه‌دیده را این‌گونه تعریف کرده است: «بزه‌دیدگان اشخاصی هستند که به‌صورت فردی یا جمعی دچار آسیب‌های جسمی یا روحی و روانی، زیان اقتصادی یا ضرر شدید به حقوق اساسی خود فعل‌ها یا ترک فعل‌هایی که منشأ نقض‌های فاحش حقوق بین‌المللی یا نقض‌های شدید حقوق بشردوستانه بین‌المللی هستند، شده‌اند. همچنین، در مواقع مقتضی و در انطباق با حقوق داخلی باید گفت که افراد بی‌واسطه، خانواده یا بستگان بزه‌دیده مستقیم (از وقوع جنایت) و نیز اشخاصی که با مداخله خود برای یاری‌رساندن به بزه‌دیدگان در اضطرار یا برای اجتناب از بزه‌دیدگی آسیب‌دیده‌اند، مشمول واژه «بزه‌دیده» می‌شوند.»^{۲۵} گرچه در این تعریف علاوه بر بزه‌دیده مستقیم بزه‌دیده غیرمستقیم یا ثانویه نیز مدنظر بوده اما تعریف فوق فقط اشخاص حقیقی را در برمی‌گیرد و نمی‌تواند شامل اشخاص حقوقی گردد. به‌هرحال در ماده ۸۵ آیین دادرسی و

۲۳. گرچه این قتل بعد از ناپدیدسازی اتفاق افتاده اما نمی‌تواند از ارکان آن باشد و جرمی مستقل می‌باشد که شاید ناپدیدسازی در راستای آن به وقوع پیوسته است.

24. Victim

۲۵. نژندی‌منش و آموزگار، «جایگاه بزه‌دیده، در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، ۱۳۷.

ادله دیوان کیفری بین‌الملل علاوه بر شخص حقیقی در برخی موارد خاص مانند مقاصد بشردوستانه شخص حقوقی نیز می‌تواند بزه‌دیده واقع گردد.^{۲۶} با این حال نمی‌توان در جنایت ناپدیدسازی اجباری بزه‌دیده را شخص حقوقی تصور کرد^{۲۷} بلکه این جنایت فقط در خصوص اشخاص حقیقی ممکن است. اهمیت جبران حقوق این بزه‌دیدگان به حدی است که حقوق از دست‌رفته آنان را می‌توان به دو قسمت در حین ارتکاب جنایت و پس از آشکارسازی آن تقسیم نمود و هم حقوق بزه‌دیده مستقیم و هم بزه‌دیده غیرمستقیم را در آن جستجو کرد. خوشبختانه جهت جبران حقوق بزه‌دیدگان جنایت علیه بشریت گام‌های مثبتی برداشته شده است، در این مورد ماده ۷۵ پیشرفت فوق‌العاده‌ای محسوب می‌گردد، چراکه نه فقط جبران خسارت مادی، بلکه اعاده وضع به حالت سابق و اعاده حیثیت را نیز پیش‌بینی می‌کند. به علاوه، این امر در صلاحیت خود دادگاه است که خسارت قابل‌جبران را ارزیابی نماید، حتی بدون اینکه درخواست مشخصی تنظیم شده باشد.^{۲۸}

۳-۱-۱- حقوق بزه‌دیده در زمان ناپدیدسازی

زمانی که شخص بزه‌دیده جنایت ناپدیدسازی می‌شود حقوق وی مکرراً نقض می‌شود، نقض این حقوق می‌تواند حتی موجب سلب حیات از وی گردد. در ادامه اهم حقوق نقض‌شده بزه‌دیده را در زمان ناپدید شدن در جنایت علیه ناپدیدسازی بررسی می‌کنیم.

۳-۱-۱-۱- حق رسیدن به آزادی

اهمیت آزادی در ناپدیدسازی اجباری به حدی است که در نگاه نخست اغلب افراد ناپدیدسازی را به معنای صرفاً سلب آزادی می‌دانند؛ در این مورد بی‌راهه نرفته‌اند، زیرا تمام مصادیق این جنایت به نوعی منتهی به سلب آزادی اشخاص می‌شود، از بازداشت موقت گرفته تا آدم‌ربایی. حتی اگر بازداشت اولیه قانونی بوده ولی سپس بدون توجیه قانونی و دادن اطلاعات درمورد

۲۶. ماده ۸۵ آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی: «(ب) قربانیان می‌توانند شامل سازمان‌ها و نهادهایی شوند که اموالشان وقف مذاهب، آموزش، هنر یا علم یا اهداف خیریه می‌شوند و به آثار تاریخی، بیمارستان‌ها و دیگر اماکن و اشیاء آنها که برای مقاصد انسان‌دوستانه می‌باشد، آسیب مستقیم وارد شده است.»

۲۷. گرچه یقیناً نمی‌توان شخص حقوقی را بزه‌دیده مستقیم در نظر گرفت اما تئوری بزه‌دیده بودن غیرمستقیم شخص حقوقی با توجه به ماده ۸ اصول اساسی در راهنمای حق دادخواهی و جبران خسارت‌ها برای بزه‌دیدگان نقض‌های فاحش حقوق بشر و بشردوستانه بین‌الملل، دور از انتظار نیست.

۲۸. بیگی و کتانچی، «رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی به خسارت معنوی قربانیان تعرضات جنسی»، ۲۳.

شخص، وی را در بازداشت نگهدارند، باز به‌نوعی آزادی از فرد سلب شده و جنایت ناپدیدسازی اجباری صدق می‌کند. «کارگروه ناپدیدسازی اجباری در گزارش خود تمام بازداشت‌هایی را که مسئولین دولتی از ارائه اطلاعات درخصوص سرنوشت یا مکان افراد بازداشت‌شده خودداری می‌کنند، ناپدیدسازی اجباری دانسته و تأکید نموده که این امر شامل بازداشت‌های کوتاه‌مدت نیز می‌گردد.»^{۲۹} بنابراین ابتدایی‌ترین حق بزه‌دیده این خواهد بود که آزادی از دست‌رفته خود را به‌دست آورد.

۳-۱-۲- حق اطلاع از سرنوشت

حق اطلاع از سرنوشت، هم برای بزه‌دیده مستقیم و هم نسبت به بزه‌دیده غیرمستقیم^{۳۰} وجود دارد. بند ۲ ماده ۲۴ کنوانسیون بین‌المللی حمایت از تمام اشخاص در برابر ناپدیدسازی مقرر می‌دارد: «هر قربانی حق آگاهی از حقیقت درمورد شرایط ناپدیدسازی اجباری، جریان رسیدگی و نتایج تحقیقات و سرنوشت شخص ناپدیدشده را دارد. هریک از اعضاء باید اقدامات لازم را در این زمینه انجام دهند.» همان‌گونه که مشاهده می‌شود این ماده فراتر از بزه‌دیده مستقیم بوده و بزه‌دیده غیرمستقیم یا ثانویه را نیز دربرمی‌گیرد و حتی «کمیته حقوق بشر نیز برای اولین بار در پرونده کوین ترس آلمیدا در برابر اروگوئه اعلام نمود که مادر قربانی حق دارد از سرنوشت دختر آگاه شود.»^{۳۱} برای مثال در اغلب ناپدیدسازی‌های اجباری اشخاص، فشار روحی‌ای که بر خانواده شخص ناپدیدشده وارد می‌آید، بسیار شدید بوده و آنان را با مشکلاتی مواجه می‌سازد، لذا علاوه بر شخص بزه‌دیده خانواده و اطرافیان نزدیک وی نیز مورد توجه بوده و آنان نیز حق آگاه شدن از سرنوشت بزه‌دیده را دارند. از سوی دیگر هر فردی را که از ناپدیدسازی اجباری متحمل رنج شدیدی می‌شود، در برمی‌گیرد و صرفاً شامل خانواده قربانی نمی‌شود. لازم به ذکر است که کنوانسیون به‌حق بازماندگان از آگاهی نسبت به سرنوشت افراد اکتفا ننموده و آن را به آگاهی از شرایط ناپدیدسازی اجباری نیز تسری می‌دهد.^{۳۲} در این بین نباید بزه‌دیده را که مورد ناپدیدسازی واقع شده است فراموش کرد. وی که تحت اذیت و آزار روحی و جسمی قرار می‌گیرد باید از سرنوشت خود آگاهی یابد هر چند در

۲۹. عطار، پیشین، ۶۹.

۳۰. نک: سادات‌اسدی، حقوق بزه‌دیده در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی، ۱۹۰-۱۸۹.

31. Quinteros Almedia V. Uruguay, Communication, No.107/1981, Final Views of 21 July 1983.

۳۲. همان، ۷۵.

عمل به‌ندرت این حق به آنان داده می‌شود.

۳-۱-۳- حق برخورداری از امنیت

احساس امنیت عبارت است از: «آزادی نسبی از خطر، این احساس وضع خوشایندی در مردمان ایجاد می‌کند که فرد در آن در آرامش روحی و جسمی است.»^{۳۳} نخستین پیامد ناپدیدسازی در شخص بزه‌دیده احساس ناامنی وی در مورد امنیت جانی و روانی خود است. ابتدا این احساس امنیت در زمان ناپدیدسازی در شخص ایجاد می‌شود و بیش‌تر در مورد بزه‌دیده مستقیم به‌وجود می‌آید. حق برخورداری از امنیت باید بعد از ارائه اطلاعات در مورد شخص ناپدیدشده و یا حتی در جریان محاکمه بزه‌کار هم محترم انگاشته شود. مهم‌ترین بخش حق برخورداری از امنیت، حفظ حیات و جان می‌باشد، متأسفانه نتیجه اغلب ناپدیدسازی‌های اجباری سلب حیات و قتل بزه‌دیدگان بوده (مانند آنچه در پرونده خاشقچی رخ داد) که «این مورد سبب شده تا مسئله فرض فوت ناپدیدشدگان از سوی برخی دولت‌ها و حقوق‌دانان مطرح گردد.»^{۳۴} مورد دوم حق داشتن امنیت مربوط به منع شکنجه و آزار روحی است. از آنجاکه به‌ندرت پیش می‌آید قربانیان این جنایت اشخاصی غیر از فعالان سیاسی، مذهبی و امثال آن باشند، در جریان بازجویی و اخذ اطلاعات از آنان اغلب به شکنجه متوسل می‌شوند و بزه‌دیدگان مورد شدیدترین آزارهای جسمی و روحی قرار می‌گیرند تا جایی که به سبب اهمیت، این موضوع در مقدمه اعلامیه ناپدیدسازی اشخاص مورد توجه قرار گرفته است.

۳-۲- حقوق بزه‌دیده بعد از آشکار شدن ناپدیدسازی

از آنجاکه بزه‌دیدگان ناپدیدسازی اجباری ممکن است مورد آزار و اذیت‌های روحی و جسمی فراوانی قرار گیرند پس از آشکار شدن جنایت ارتکاب‌یافته بر روی آنان و جهت جبران خسارت‌های مادی و معنوی می‌طلبند که مورد حمایت‌های مختلفی قرار گیرند.

۳-۲-۱- دادرسی عادلانه

سیستم‌های عدالت کیفری بین‌المللی ویژگی‌هایی دارد که آن را از انواع ملی قدری متمایز می‌سازد، لیکن اغلب این ویژگی‌ها توسعه‌دهنده است. از جمله‌هایی از ملاحظات خاص داخلی، نمایندگی از جامعه بین‌المللی، خروج از نفوذ و سلطه دولتی، حکومتی نبودن قضات

۳۳. رجیبی‌پور، «احساس امنیت در بستر امنیت عینی»، ۱۶.

34. Shestack, "The Case of Disappeared," 54.

بین‌المللی و عدم وابستگی اداری و مالی به یک دولت، همچنین برخورداری از قضات دارای خصوصیات برجسته و شرایط اخلاقی و حرفه‌ای فوق‌العاده که نمایندگی فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و نظام‌های مهم حقوقی را دارند. در نتیجه «آزادی عمل، استقلال و بی‌طرفی دادگاه و قضات بین‌المللی تا حد زیادی افزایش می‌یابد، از تقید به یک الگو یا مدل خاص دادرسی کیفری آزاد است، می‌تواند از نقاط قوت و محاسن همه نظام‌های ملی بهره‌برد و خود نیز با ابداع عناصری بر قوت آن بیفزاید.»^{۳۵} همه این موارد سبب پیدایش «الگوی حمایت از بزه‌دیده در چهارچوب مراحل چهارگانه سیاست جنایی تحت عنوان حمایت شکلی آیین دادرسی مدار، منجر به پیش‌بینی سازوکارهایی برای احقاق حقوق بزه‌دیده شده است.»^{۳۶} رسیدگی به جنایت ناپدیدسازی اجباری به‌عنوان جنایتی علیه بشریت در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری است که دیوان احترام ویژه‌ای برای حقوق بزه‌دیده قائل است. مصادیق بارز دادرسی عادلانه را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

۳-۲-۱-۱- حق مشارکت در دادرسی

اعطای «حق مشارکت در دادرسی‌ها» به قربانیان جنایت‌های بین‌المللی، از ویژگی‌های منحصر به فرد دیوان به‌شمار می‌آید. برای نخستین بار در تاریخ تحولات حقوق کیفری بین‌المللی، بزه‌دیدگان می‌توانند به‌طور مستقیم در برابر دادیاران حضور یافته و دیدگاه‌ها و دل‌نگرانی‌های خود را بازگو نمایند. بزه‌دیده که پیش‌ازاین تنها به‌عنوان شاهدی برای اثبات جرم به ایفای نقش می‌پرداخت، اکنون می‌تواند در جلسات استماع حضور یافته و از دغدغه‌های خود سخن بگوید. «به‌علاوه، خیل عظیم بازماندگان جنایت‌های بین‌المللی برای امکان حضور در دیوان، نیازمند معرفی یک نماینده قانونی هستند، از این‌رو، مشارکت بزه‌دیدگان در دادرسی‌ها، از رهگذر وکلای آنان محقق می‌شود.»^{۳۷} به‌موجب بند ۳ ماده ۶۸ اساسنامه رم، حق مشارکت در دادرسی‌ها در صورتی به قربانیان اعطاء خواهد شد که منافع و مصالح آنان مورد تعرض واقع شده باشد و در صورتی مشارکت در دادرسی‌ها، از سوی دیوان برای آنها مناسب تشخیص داده می‌شود که منافی حقوق متهم و نیز یک محاکمه بی‌طرفانه

۳۵. فضائلی، «دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی»، ۳۳.

۳۶. رایجیان اصلی، بزه‌دیده‌شناسی، ۱۲۶.

۳۷. رضوی‌فرد و دیرباز، «حمایت‌های حقوقی دیوان کیفری بین‌المللی از بزه‌دیدگان»، ۹۵-۹۶.

و منصفانه و در تعارض با آن نباشد.^{۳۸} همان‌گونه که ذکر شد اساسنامه رم حضور در دادرسی را منوط به نقض منافع و مصالح قربانی نموده است که تمامی این موارد در خصوص جنایت ناپدیدسازی اجباری صدق می‌کند، بر همین اساس حضور در دادرسی جزئی از حقوق بزه‌دیده ناپدیدسازی است.

۳-۲-۱-۲-۳-۲ حق داشتن نماینده قانونی

امروزه به دلیل پیچیدگی امور اجتماعی، قوانین و مقررات اجتماعی نیز به تبع آن، پیچیده شده است که نتیجه عملی این امر، عدم‌آشنایی کافی شهروندان جامعه با مقررات و به تبع آن، عدم‌توانایی کافی آنان برای دفاع از خود در محاکم دادگستری است. «مداخله وکیل برای دفاع از حقوق اصحاب دعوا نه تنها در راستای دفاع از حقوق فردی اصحاب دعوا تلقی می‌شود، بلکه گامی در راستای دفاع از منافع جامعه از طریق فرایند دادرسی مبتنی بر نظم و انضباط است.»^{۳۹} از آنجاکه حضور در دیوان کیفری بین‌المللی نیز تخصص‌های ویژه خود را می‌طلبد ممکن است هر شخص به آن‌آشنایی نداشته باشد. بهره‌مندی از مزایای نماینده قانونی امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد به‌ویژه که از این طریق بزه‌دیده می‌تواند، با آرامش خاطر بیش‌تر حقوق از دست‌رفته خویش را دنبال کند. دیوان بین‌المللی کیفری در راستای تحقق آرمان تساوی سلاح‌ها در دادرسی شرایطی را برای تعیین نماینده قانونی مقرر کرده است؛ از آن جمله بند ۳ ماده ۵۰ آیین دادرسی و ادله دیوان بین‌المللی کیفری مقرر کرده: پس از مطلع کردن بزه‌دیدگان از سوی شعبه مقدماتی، آنان می‌توانند نمایندگانی به صورت کتبی به شعبه معرفی نمایند. بند ۱ ماده ۹۰ نیز حق آزادی در انتخاب وکیل را از جمله حقوق بزه‌دیدگان برشمرده است.^{۴۰}

۳-۲-۱-۲-۳-۳ حق حفظ هویت

«مراحل گوناگون فرایند جنایی باید به‌گونه‌ای باشد که هراس بزه‌دیده را از تهدیدها و اقدام‌های تلافی‌جویانه متهم به پایین‌ترین سطح برساند و با حفاظت از زندگی خصوصی وی

۳۸. دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه، «اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و سند نهایی کنفرانس دیپلماتیک رم»، ۷۳.

۳۹. رستمی‌غازانی، «حق برخورداری از وکیل در محاکمات بین‌المللی کیفری»، ۶۵.

۴۰. در این خصوص نک:

Croquet, "The International Criminal Court and the Treatment of Defence Rights: A Mirror of the European Court of Human Rights' Jurisprudence," 97-98.

در او احساس امنیت ایجاد کند.^{۴۱} در این میان، رسانه‌ها در پوشش خبری خود باید اصول اخلاقی رسانه‌ای را رعایت کنند و در جنایت‌های مهم بین‌المللی هرگز هویت بزه‌دیده را فاش نکنند.^{۴۲} «بزه‌دیدگان به هنگام تکمیل فرم‌های درخواست مشارکت در دادرسی می‌توانند از دیوان درخواست نمایند که هویت آنان یا اطلاعات ارسالی، فاش نشود.»^{۴۳} دیوان، دادستان را مسئول حفاظت و نگهداری از تمام اطلاعات و ادله جنایت در جهت امنیت بزه‌دیده نموده است.^{۴۴} همچنین دیوان باید تضمین کند که در انتشار کلیه اسناد طبق اساسنامه و آیین دادرسی، وظیفه حفظ امانت‌داری جریان رسیدگی و امنیت قربانیان و شهود را رعایت می‌کند.^{۴۵} به موجب بند ۳ ماده ۸۷ آیین دادرسی و ادله، نام قربانی یا هر اطلاعاتی که می‌تواند منجر به کشف هویت او شود، باید از گزارش‌های علنی دادگاه حذف شود یا برای او اسم مستعار تعیین گردد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود حق حفظ هویت افراد در راستای دادرسی عادلانه و حفظ امنیت موردتوجه بوده و بر اساس آیین دادرسی و ادله دیوان، دیوان موظف است، حفظ امانت‌داری و امنیت قربانیان را تضمین نماید.

۳-۲-۱-۴- حق برخورداری از حمایت اجتماعی

«هنگامی که دولت (حکومت) و جامعه مدنی با تمام ظرفیت‌های خود در چهارچوب یک سیاست جنایی مشارکتی برای حمایت از بزه‌دیدگان گام برمی‌دارند، چهره‌ای از یک الگوی فراگیر و مطلوب حمایتی به نام «حمایت اجتماعی» به تصویر کشیده می‌شود.»^{۴۶} حمایتی که اجرای آن در مورد بزه‌دیدگان جنایت ناپدیدسازی اجباری، از آنجاکه ممکن است موردشدیدترین تعرضات جسمی، جنسی و روانی قرارگرفته باشند، بسیار ضروری به نظر می‌رسد لذا می‌طلبد توجه ویژه به این قسمت شود تا بعد از جنایت صورت‌گرفته اقدام‌های حمایتی در حق بزه‌دیده شرایط زندگی عادی را برای وی فراهم نماید.

۴۱. رایجیان اصلی، «بزه‌دیده‌شناسی حمایتی»، ۵۸.

۴۲. بیگی، «راهبردهای حمایتی سازمان ملل متحد، ایران و اسلام در تأمین امنیت بزه‌دیدگان و شهود قاچاق انسان»، ۳۷.

۴۳. رضوی فرد و دیرباز، پیشین، ۹۴.

۴۴. نک: ماده ۱۰ آیین دادرسی و ادله دیوان بین‌المللی کیفری.

۴۵. نک: ماده ۴۳ آیین دادرسی و ادله دیوان بین‌المللی کیفری.

۴۶. بیگی و کتانچی، پیشین، ۳۲.

۳-۲-۲- جبران خسارت

بزه‌دیدگان ناپدیدسازی اجباری هم از لحاظ معنوی و هم گاهی از لحاظ مالی^{۴۷} دچار خسارت‌هایی می‌شوند. کلیه خسارت‌های وارده به این اشخاص (بزه‌دیده مستقیم و غیرمستقیم) که ناشی از ناپدیدسازی اجباری باشد، قابل جبران است.^{۴۸} در اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اختصاصی نسل دوم (یوگسلاوی سابق و رواندا) «نقش بزه‌دیدگان حداقلی بوده و حقوق آنان محدود است به حفاظت فیزیکی و استرداد آن دسته از اموال که در نتیجه ارتکاب جرم از تصرف آنان خارج شده است.»^{۴۹} «دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا نسبت به جبران خسارت وارد به قربانیان جنایت موضوع صلاحیت خود حکمی صادر نمی‌کنند، بلکه پس از محکومیت مرتکب عمل مجرمانه، برای استرداد اموال و منافعی که با ارتکاب آن عمل مجرمانه به دست آمده است به صاحبان قانونی آنها، دستورات مقتضی صادر می‌شود.»^{۵۰} بند ۴ ماده ۲۴ کنوانسیون، تأکید بر پرداخت خسارت‌های وارده بر بزه‌دیده را دارد و جبران ضرر وارده را جزء حقوق بزه‌دیده می‌داند. دیوان می‌تواند، مجنی‌علیه را به جبران خسارت محکوم کند و حتی نحوه آن را تعیین نماید^{۵۱} که امر «ترمیم خسارت‌های ناشی از جرم در کنار مجازات متهم، باید حین صدور رأی مورد نظر قرار گیرد.»^{۵۲} در این بین ممکن است متهم به پرداخت غرامت محکوم گردد، اما «دادگاه حتی می‌تواند غرامت را از محل صندوقی که وجوه آن از طریق جزای نقدی، همچنین با فروش اموال ضبط شده یا موضوع تأمین و با پرداخت‌های داوطلبانه تکمیل می‌شود، بپردازد.»^{۵۳} همچنین دیوان برای حفظ حقوق بزه‌دیدگان جنایت علیه بشریت، صندوق مالی ایجاد می‌نماید تا در صورت لزوم جبران خسارت‌های وارده از طریق آن صورت گیرد.^{۵۴} در خصوص خسارت‌های معنوی بزه‌دیده نیز

۴۷. گرچه تصور اینکه قربانی ناپدیدسازی از لحاظ مالی متحمل ضرر گردند و این جنایت را بیش‌تر در امور سیاسی، مذهبی یا نژادی می‌بینیم ولی در هر حال گرچه به صورت اندک احتمال وجود خسارت مادی نیز وجود دارد. نباید فراموش کرد که احتمال زیان بزه‌دیدگان ثانویه یا غیرمستقیم در این جنایت به مراتب می‌تواند بیش‌تر از بزه‌دیده مستقیم باشد.

۴۸. نک: ماده ۲۴ کنوانسیون حمایت از تمامی اشخاص در برابر ناپدیدسازی اجباری.

49. Mouthaan, "Victim Participation," 623.

۵۰. سادات اسدی، پیشین، ۲۶۲.

۵۱. نک: ماده ۷۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

۵۲. سادات اسدی، پیشین، ۲۶۲.

۵۳. همان، ۲۳.

۵۴. نک: ماده ۷۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

باید از طریق پرداخت غرامت یا اعاده وضع به حالت سابق، جبران خسارت نمود.^{۵۵} اعاده وضع به حالت سابق به این معناست که ضرر وارد شده چنان تدارک شود که گویی از اصل، زیان وارد نیامده است. پاره‌ای از نویسندگان، «جبران خسارتِ تحقق‌یافته به معنای خاص خود را جز از راه پرداخت مبلغی پول و به‌عنوان آنچه از رفته است، ممکن نمی‌دانند. برطبق این نظر تمهیدهایی که برای از بین بردن موقعیت زیان‌بار یا رد عین و مانند این‌ها اندیشیده می‌شود، درواقع ناظر به منبع ضرر است نه جبران خود آن.»^{۵۶}

نتیجه

گرچه از قرن‌ها قبل ناپدید کردن اجباری به‌عنوان ابزاری در اختیار حکومت‌های دیکتاتوری و استبدادی برای سرکوب مخالفان بوده اما متأسفانه این جنایت خیلی دیر وارد موضوع‌های حمایت از حقوق بشری و حمایت از افراد در برابر حکومت‌های استبدادی شد. حال گرچه در اعلامیه و اساسنامه‌های مختلف ناپدید کردن اجباری موردشناسایی قرار گرفته است ولی باوجود این هنوز هم ضمانت‌اجرای مؤثری برای آن تعیین نگردیده و درخصوص پیشگیری از آن نیز آن‌گونه که باید اقدامی صورت نگرفته است. حقوق قربانیان این جنایت علیه بشریت به شکل اسفناکی موردتعرض قرار می‌گردد بدون اینکه آنان، قدرت مقابله با دولت یا سازمان‌های متعرض را به‌دلیل استفاده از رکن سیاسی داشته باشند. توجه به حقوق این اشخاص و جبران آن در اسناد بین‌الملل موردتوجه قرار گرفته ولی متأسفانه از قدرت اجرایی کافی برخوردار نیست. با تمام این خصایص دولت‌ها نیز باوجود پذیرش اسناد بین‌الملل درمورد این جنایت، در داخل محدوده حاکمیت خود اقدامی برای جرم‌انگاری این جنایت علیه بشریت به‌نحو شایسته انجام نداده‌اند و حتی تمایلی به آن ندارند.

در آخر پیشنهاد می‌گردد سازمان‌های مربوطه به‌خصوص دیوان کیفری بین‌المللی در اقدام علیه جنایت‌کاران ناپدیدسازی سخت‌گیری‌های بیش‌تری به‌عمل آورند. از آنجاکه بزهدیدگان این جنایت نسبت به بزهدکاران آن بسیار ضعیف‌تر بوده‌اند، می‌طلبند در اسناد بین‌الملل شیوه‌های کارآمدتری برای جبران حقوق آنان پیش‌بینی گردد. در راستای اسناد مربوط به حقوق بشر و حمایت از کرامت انسانی در ابتدا دولت‌ها به‌نحو احسن جنایت علیه بشریت را در قوانین کیفری خود وارد کرده و علاوه‌بر روش‌ها و اقدام‌های پیشگیری از آن،

۵۵. نک: بند ۱ ماده ۷۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری.

۵۶. تقی‌زاده، پیشین، ۱۳۱.

ضمانت‌اجراهای متناسب نیز برای آن تعیین نمایند و عناصر تشکیل‌دهنده جنایت نیز به‌نحو احسن تعریف گردد حتی دولت‌ها نباید به این مختصر اکتفا نموده و به‌دلیل اهمیت جنایت شیوه دادرسی خاص برای آن مبذول دارند تا در کمترین زمان ممکن نتیجه قانع‌کننده صادر گردد و تا حد امکان پیش‌بینی خسارت وارده به قربانی و خانواده وی را مدنظر قرار دهد. در سطح بین‌الملل نیز دولت‌ها با تشکیل نهادهای مناسب و زمینه‌های همکاری مؤثر سعی در ایجاد رویه‌های ثابت جهت برخورد شدید با این دسته از جنایت‌ها دارند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- احمدی نژاد، مریم. «تحلیل حقوقی ناپدیدسازی اجباری اشخاص در حقوق بین‌الملل، به‌عنوان ناقض ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر». *مجله حقوق بین‌المللی* ۵۷ (۱۳۹۶): ۱۶۶-۱۴۹.
- بیگی، جمال و الناز کتناچی. «رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی به خسارت معنوی قربانیان تعرضات جنسی». *فصلنامه مطالعات بین‌الملل* ۲ (۱۳۹۷): ۴۲-۲۱.
- بیگی، جمال. «راهبردهای حمایتی سازمان ملل متحد، ایران و اسلام در تأمین امنیت بزه‌دیدگان و شهود قاچاق انسان». *فصلنامه فقه و حقوق اسلامی* ۱ (۱۳۸۹): ۵۹-۲۵.
- پایگاه خبری دیپلماسی ایرانی. «درخواست عجیب عبدالله اوجالان از اردوغان». تاریخ تحریر ۸ مهرماه ۱۳۹۱. <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1907362> (تاریخ آخرین دسترسی ۱۷/۱۱/۱۳۹۷)
- تقی‌زاده، محمدتقی. «ناپدیدسازی اشخاص در حقوق بین‌الملل کیفری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه قم، ۱۳۹۱.
- دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه. *اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و سند نهایی کنفرانس دیپلماتیک رم*. تهران: چاپ اول، ۱۳۷۷.
- رایجیان اصلی، مهرداد. *بزه‌دیدہ‌شناسی حمایتی*. تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۰.
- رایجیان اصلی، مهرداد. *بزه‌دیدہ‌شناسی*. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰.
- رجبی‌پور، محمود. «درآمدی بر احساس امنیت در بستر امنیت عینی». *دانش انتظامی* ۱۸ (۱۳۸۲): ۲۸-۷.
- رستمی‌غازانی، امید. «حق برخورداری از وکیل در محاکمات بین‌المللی کیفری». *مجله حقوقی دادگستری* ۸۳ (۱۳۹۲): ۸۳-۶۳.
- رضوی‌فرد، بهزاد و مرضیه دیرباز. «حمایت‌های حقوقی دیوان کیفری بین‌المللی از بزه‌دیدگان». *فصلنامه حقوق کیفری* ۳ (۱۳۹۲): ۹۸-۶۷.
- سادات‌اسدی، لیلا. *حقوق بزه‌دیدہ در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی*. تهران: سمت، ۱۳۹۱.
- عابدینی، عبدالله. «کنوانسیون حمایت در برابر ناپدیدسازی اجباری و ضرورت پیوستن به آن». *مجله حقوقی بین‌المللی* ۵۷ (۱۳۹۶): ۱۹۶-۱۶۷.
- عطار، مژگان. «حمایت از افراد در برابر ناپدیدسازی اجباری در کنوانسیون ۲۰۰۶ و قوانین ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۷.
- فضائی، مصطفی. *دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی*. چاپ دوم. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹.
- میرمحمدصادقی، حسین. «شیوه پیگیری قضایی امام موسی صدر». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی* ۴۰ و

۴۱ (۱۳۸۵-۱۳۸۶): ۹۸-۹۱.

نژندی‌منش، هیبت‌الله و شهریار آموزگار. «جایگاه بزه‌دیده، در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی». *فصلنامه قضاوت* ۹۱ (۱۳۹۶): ۱۶۱-۱۳۵.

ب. منابع خارجی

Brody, Reed and Filipe Gonzales. "Nunca Mas: an Analysis of International Instruments on Disappearances." *Human Rights Quarterly* 19 (1997): 365-405.

Croquet, Nicolas A.J. "The International Criminal Court and the Treatment of Defense Rights: A Mirror of the European Court of Human Rights' Jurisprudence." *Human Right Law Review* 11 (2011): 91-131.

Giorgou, Irena. "State Involvement in the Perpetration of Enforced Disappearance and the Rome Statute." *Journal of International Criminal Justice, Oxford University Press* 11 (2013): 1001-1021.

Gunzman, Federico Andreu. "The Draft International Convention on the Protection of All Persons from Forced Disappearance." *ICJ Review* 62-63 (2001): 1-23.

Kuschnik, Bernhard. "The Legal Findings of Crimes against Humanity in the Al-Dujail Judgments of the Iraqi High Tribunal: A Forerunner for the ICC?" *Oxford: Chinese Journal of International Law, Published by Oxford University Press* 7 (2008): 459-483.

Mouthaan, Solange. "Victim Participation at the ICC for Victims of Gender-Based Crimes: A Conflict of Interest." *Cardozo Journal of International & Comparative Law* 21 (2013): 619-651.

Quinteros, Almada V. Uruguay. Communication No.107/1981. Final Views of 21 July 1983.

Robinson, Darryl. "Crimes against Humanity: A Better Policy on 'Policy'." *Queen's University Legal Research Paper* 5 (2013): 2015-022.

Rodley, Nigel. *Torture and Other Cruel Punishment of Prisoners*. Oxford: Oxford University Press, 1998.

Scovazzi, Tullio, Gabriella Citroni. *The Struggle against Enforced Disappearance and the 2007 United Nations Convention*. Leiden; Boston: Martinus Nijhoff Publishers, 2007.

Shestack, Jerome J. "The Case of the Disappeared." *Human Rights Law Journal* VIII (4) (1980): 24-55.

The Prosecutor v. Ahmad Muhammad Harun ("Ahmad Harun") and Ali Muhammad Ali Abd-Al-Rahman ("Ali Kushayb") n ICC-02/05-01/07, 27 April 2007.

Vitkauskaitė-Meurice, Dalia and Žilinskas, Justinas. "The Concept of Enforced Disappearances in International Law." *Lithuania: Mykolas Romeris University, Jurisprudence* 2(120) (2010): 197-214.

Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. VII, No. 2

2019-2

- **Comparative Study of Stop and Search by Police in Public Places in Iran and England Legal Systems**
Dr. Gholamhassan Kooshki & Peyman Dolatkahpashakie
- **Liability of Vehicle Owners against Third Parties such as Civil or Criminal Liability?**
Dr. Nasroallah Jafari Khosroabadi & Mina Salemi
- **Heading a Criminal Gang and Aggravation of Punishment**
Dr. Mansour Rahmdel
- **"Invention" of the Custom or Only a "Transformation" in the Way of Recognition?**
Dr. Alireza Bagheri Abyaneh
- **Analyzing the Content of Kimia TV Serials from the Perspective of Family Violence**
Rabeae Nazarpour Hamedani & Dr. Batoul Pakzad
- **Basics and the Realm of the Teachings of New Penology on the Juvenile Delinquency; with an Adaptive Approach to the Criminal Justice Systems of Iran and the United States**
Ali Davoudi Salestani & Dr. Seyyed Hossein Hashemi
- **The International Documentary Approach to the Victims of the Crime of Forced Disappearance**
Dr. Jamal Beigi & Hiva Alipour
- **Right Realist Criminology, Backgrounds and Looks**
Ayoub Nourian Dr. Gholamreza Mohammadnasl & Dr. Nader Norouzi
- **International Organizations Participation in Preliminary Examination in International Criminal Court**
Sahar Poorhassan Ziveh & Dr. Seyyed Ebrahim Ghodsi & Dr. Hamidreza Javidzadeh



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study